نقد و بررسی روایات اسباب نزول آیات آغازین سوره معارج ـ
محسن احتشامی‌نیا، طاهره علی‌مرادی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال پانزدهم، شماره ۵۷ «ویژه قرآن‌بسندگی»، زمستان۱۳۹۶، ص ۱۷۳-۱۸۶

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

نقد و بررسی روایات اسباب نزول آیات آغازین سوره معارج

محسن احتشامی‌نیا*
طاهره علی‌مرادی**

چکیده: در کتب تفسیری، علوم قرآنی و اسباب نزول، برای آیات فراوانی، سبب نزول‌هایی گزارش شده است. که باید به ارزیابی سند و محتوای آنها همت گماشت. سبب نزول سورهٔ معارج، موضوع اصلی این نوشتار است که روایات این بخش، از جنبهٔ سند و متن نقد و بررسی قرار می‌شود. نتیجه آن که روایات از جهت سند، به جز طریق سفیان بن عیینه الهلالی از امام صادق علیه السلام به دلیل یک یا چند اشکال رجالی یا درایه‌ای همچون: ارسال سند، راویان ضعیف، عدم استناد روایت به صحابی شاهد نزول؛ ضعیف می‌باشند. از جهت متن نیز به دلیل اشکالاتی مانند: ناسازگاری با سیاق سوره، همزمان نبودن داستان با نزول آیات، وجود اضطراب و اختلاف روایات ذیل سوره، مخدوش‌اند. در نهایت داستان کشته شدن نعمان بن حارث فهری در واقعه غدیر را – به علت کثرت طرق و هماهنگی با سیاق و محتوای آیات – می‌توان به عنوان سبب نزول سوره معارج (خصوصاً آیات اولیه) پذیرفت.

کلیدواژه‌ها: اَسباب نزول؛ نقد سندی و متنی؛ روایات شیعی و سنّی؛ سوره معارج؛ غدیر خم؛ نعمان بن حارث فهری.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد تهران مرکز m.ehteshaminia@yahoo.com
**. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد تهران مرکز T.alimoradi60@gmail.com

مقدمه

قرآن از آغاز نزولش توجه عالمان و اندیشوران را به خود جلب کرد، آن‌سان که اندکی پس از اتمام فرودش، آثار متعددی به وسیله قرآن‌پژوهان پدیدار گردید. «اسباب نزول» از جمله علومی است که از دیرباز در کانون توجه واقع گردیده و دانشیان برای آن فوایدی چند به شرح زیر برشمرده‌اند:

۱- شناختن حکمت و فلسفهٔ احکام و قوانینی که در قرآن آمده است.

۲- کمک به فهم صحیح آیات.

۳- رفع اشکال و جلوگیری از برداشت‌های ناصواب از آیات.

۴- تفسیر نام‌های مبهم و شناخت کسانی که آیه یا آیاتی از قرآن درباره آنها نازل شده است.

۵- آسان شدن حفظ و هموار شدن فهم آیات و در نتیجه تثبیت آیات قرآنی در ذهن. (سیوطی، ۱۴۲۱ : ۱/ ۱۲۰-۱۲۲؛ زرقانی، بی‌تا: ۱/ ۱۰۲-۱۰۶)

در جوامع روایی و کتب تفسیری و اسباب نزول، برای بسیاری از آیات و سوره‌ها، سبب نزول گزارش شده است. تنها راه دستیابی به دانش اسباب نزول، نقل و روایت است. لذا در این امر اجتهاد و استنباط، جایی ندارد. بدین روی، حوزه استنباط و اجتهاد را در برابر روایات و ترجیح میان روایات قرار داده‌اند. (پیروزفر، ۱۳۸۴: ۵۰) قرآن پژوهان و دانشیان را - به خصوص در سدهٔ معاصر- بر آن داشته تا با نگاهی عمیق‌تر سندی و محتوایی، این روایات را تحلیل، ارزیابی و نقادی کنند.

برای سوره معارج که چهل و چهار آیه دارد، اسباب نزول‌های متعدی در کتب تفسیری و جوامع روایی گزارش شده است. به ویژه برای دو دسته از آیات آن. (۱-۲ و ۳۶-۳۹) با آنکه نقد و بررسی این روایات، در هر دو بخش سند و متن،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

ضروری به نظر می‌رسد، هیچ تحقیق مستقل و جامعی تاکنون در این موضوع سامان نیافته است. لذا این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی متکفل آن گردیده است.

در این نوشتار، ابتدا روایات اسباب نزول از منابع تفسیری و کتب اسباب نزول گردآوری شده و در ذیل آیات مرتبط، ذکر می‌گردد. در مرحله دوم یک به یک روایات، ابتدا از ناحیه سند و سپس از ناحیه متن مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد. ارزیابی سندی بر اساس معیارهای مورد اتفاق دانشمندان در علم درایه و رجال و با بهره‌گیری از کتب رجال معتبر فریقین صورت می‌پذیرد. در بخش ارزیابی محتوایی، مبنای علامه طباطبایی -که بر آمده از روایات معتبر است- ملاک خواهد بود؛ معیار ایشان، عرضهٔ روایت بر قرآن و موافقت با آن می‌باشد. ایشان می‌نویسد: «سبب نزولی که در ذیل آیه‌ای وارد شده در صورتی که متواتر یا خبر قطعی الصدور نباشد باید به آیه مورد بحث عرضه شود. تنها در صورتی که مضمون آیه و قرائنی که در اطراف آیه موجود است با آن سازگار بود به سبب نزول نامبرده اعتماد شود و بالاخره روایت را باید با آیه تأیید نمود و تصدیق کرد نه اینکه آیه را تحت حکومت روایت قرار داد.» (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۹۲) گفتنی است آیت الله جوادی آملی نیز بر اساس مشی استاد خود، دیدگاهش را استوار ساخته است، ایشان در تفسیر تسنیم می‌نویسد: «مبحث رجال را باید از مبحث درایه جدا کرد؛ گاهی رجال سند موثقند و حدیث مأثور از جهت سند معتبر است؛ لیکن از لحاظ «درایه» با درایت عقلی یا نقلی هماهنگ نیست و زمانی به عکس آن. یعنی؛ از جهت درایه با عقل و نقلِ معتبر هماهنگ است، ولی از جهت رجال سند اشکال دارد و گاهی اتقان متن و توافق آن با خطوط کلی دیگر زمینه ترمیم را فراهم می‌کند.» (جوادی آملی،۱۳۷۸: ۷ /۵۷) از نظر ایشان اگرچه سند پاره‌ای از روایات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس معیارهای رجالی و درایه‌ای ضعیف می‌باشند ولی انطباق مضمون آنها با ادله متقن عقلی و نقلی، ضعف سند را ترمیم می‌کنند.

اینک به نقد و بررسی روایات سبب نزول سوره معارج ذیل آیات ۱-۲ می‌پردازیم.

آیات ۱-۲: سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴿۱﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴿۲﴾[۱]

سه روایت سبب نزول برای این آیات نقل شده است.

۱- سدّی روایت کند که نضر بن حارث در مکه گفت: خدایا! اگر قرآن حق باشد و از جانب تو فرستاده شده است بر ما از آسمان سنگ ببار. همانجا خداوند متعال آیه (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ) را درباره او نازل کرد و خداوند در جنگ بدر بر او عذاب فرستاد. إبن‌عباس نیز روایت کند که نضر بن حارث گفت: خدایا! اگر این قرآن حق و از جانب تو فرستاده شده است، بر ما از آسمان سنگ ببار. آنگاه آیه (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ) نازل شد. (مقاتل، ۱۴۲۳: ۴۳۵/۴؛ إبن‌أبی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۳۳۷۳/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۴/۱۰ ؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۴۶۶؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۲۲۳/۱۰؛ إبن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۳۳۵/۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۴۴/۵؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۷۸/۱۸؛ إبن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲۳۴/۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۶۳/۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۲۸/۱۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۴۴/۵ ؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶۲/۱۵ ؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۲۷۳۲/۳)

۲- دربارهٔ أبوجهل نقل کرده‌اند که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفته بود: اگر راست می‌گویی، از خدا بخواه که از آسمان قطعه‌ای بر سر ما سقوط کند. (قمی، ۱۳۶۳: ۳۸۵/۲؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۲۲۳/۱۰؛ إبن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۳۳۵/۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۴۴/۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۲۸/۱۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۴۴/۵ ؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶۲/۱۵)

۳- سفیان بن عیینه روایت کند که امام صادق علیه‌السلام از اجدادش علیهم‌السلام نقل کند که چون رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله امام علی علیه‌السلام را در روز غدیر خم منصوب کرد و فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه»، این خبر به بلاد منتشر شد. نعمان بن حارث فهری نزد

۱. ترجمه: «پرسنده‌ای درباره‌ی عذاب واقع شونده‌ای پرسید (۱) که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده‌ای نیست(۲)».

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

پیامبرﷺ آمد و گفت: از طرف خدا به ما امر کردی که به یکتاییِ خدا و رسالت تو شهادت دهیم و گردن نهادیم. جهاد و حج و روزه و نماز و زکات را آوردی و ما پذیرفتیم. سپس به این امور اکتفا نکردی تا اینکه این جوان را (منظور امام علی‌علیه‌السلام) منصوب داشتی و گفتی: «من کنت مولاه فعلی مولاه.» آیا این امر از طرف شخص توست یا امری است از جانب خداوند؟! رسول خداﷺ فرمود: «قسم به خدایی که معبودی جز او نیست، این از جانب خداست.» در این هنگام نعمان از نزد پیامبرﷺ برگشت در حالی که می‌گفت: «اللَّهُمَّ إِنْ كانَ هذا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ» (انفال: ۳۲) یعنی؛ خداوندا! اگر این سخن حق است و از ناحیهٔ توست، سنگی از آسمان بر ما ببارانِ. پس خداوند سنگی بر سر او فروافکند و او را کشت. همین جا آیات (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ)، نازل گشت. (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۰۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۴/۱۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۳۸۱/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۲۹/۱۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۷۸/۱۸؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۶۹۷؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴۱۱/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۶۲/۱۵؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۳۹۴/۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۰؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۶/۲۵) در تفسیر فرات کوفی آمده که حسین بن محمد الخارفی از سفیان بن عیینه، دربارهٔ این آیات سؤال کرد و وی در جواب، این روایت را از امام صادق‌علیه‌السلام نقل می‌کند.

بررسی سندی روایات

روایت اول:

برای این روایت، سلسله سندی ذکر نشده است. به علاوه راوی این روایت، اسماعیل بن عبدالرحمن سُدّی است. وی در حدیث ضعیف است و بزرگان حدیث اهل سنّت همچون یحیی بن مَعین[۱]، أبوزرعه[۲] و أبوحاتم[۳] او را تضعیف

۱. قال سفیان الثوری: سألت یحیی بن معین عن السّدی، فقال: فی حدیثه ضعف.
۲. قال أبوزرعة: لین.
۳. قال أبوحاتم: یکتب حدیثه ولا یحتج به.

کرده‌اند. (مزّی، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۳۵-۱۳۷) سدّی از تابعین است (م ۱۲۷ق) و نمی‌تواند شاهد نزول آیات باشد. بنابراین روایات او مرسل است. لذا روایت مزبور، مرسل و ضعیف است.

روایت إبن‌عباس هم، مرسل و ضعیف است. زیرا وی در هنگام رحلت پیامبرﷺ حدود ۱۳ سال داشته است. (مزّی، ۱۴۱۳: ۱۶۱/۱۵) بر این اساس، وی در هنگام نزول آیات، یا اصلاً به دنیا نیامده و یا کودکی نابالغ بوده است. بنابراین شرایط نقل هیچ یک از روایات أسباب نزول را نخواهد داشت و روایات وی به صورت مرسل می‌باشد.[1]

روایت دوم:

این روایت نیز به علت نداشتن سند، مرسل و ضعیف است.

روایت سوم:

سند این روایت به علت ثقه بودن تمامی افراد، صحیح است.[2]

بررسی متنی روایات

۱. سیاق سوره بیانگر آن است که سوره یکپارچه نازل شده است. (دروزه ۱۳۸۳: ۳۹۲/۵) بنابراین بدین صورت نبوده که ابتدا دو آیه اول به مناسبتی، و باقی آیات نیز

۱. مرسل در اصطلاح به دو معنای عام و خاص به کار رفته است: معنای خاص: مرسل حدیثی است که شخصی آن را از معصومؑ نقل کند؛ در حالی که او را درک نکرده است. مراد از ادراک، تلاقی معصومؑ در همان حدیث است؛ بنابراین، ممکن است صحابی، از پیامبرﷺ حدیث نقل کند، و در عین حال، حدیث او مرسل باشد؛ بدین معنا که احادیث را از پیامبرﷺ، ولی از طریق صحابی دیگری نقل کند. روایت إبن‌عباس از پیامبرﷺ این گونه است؛ زیرا هر چه از پیامبرﷺ روایت کرده است، از طریق امام علیؑ و سایر صحابه می‌باشد. در معنای دیگر حدیثی است که صحابی از سلسله سند آن افتاده باشد. (صبحی، ۱۳۸۳: ۱۲۷)

معنای عام: مرسل به حدیثی گویند که تمام راویان زنجیره سند آن، یا برخی از آن‌ها حذف شده باشد و یا به الفاظ مبهم و مجملی؛ همچون عن بعضٍ، عن رجلٍ ... آورده شده باشد. (مامقانی، ۱٤۱۱: ۳۳۸/۱) حدیث مرسل از احادیث ضعیف به شمار می‌رود.

۲. إسناد هذا الحدیث صحیح رجاله کلهم ثقات. (امینی، ۱۳۹۷: ۲٤۱/۱)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

بعدها نازل شده باشد.

۲. روایات در اینکه شخص مورد نظر چه کسی بوده، نام سه نفر مختلف (نضر بن حارث یا أبوجهل یا نعمان بن حارث فهری) را مطرح می‌کند. از روایات مختلف معلوم می‌شود که یا هیچ یک درست نیست و یا یکی از آنها را می‌توان پذیرفت.

۳. غالباً تعبیر «نزلت هذه الآیة فی کذا» برای بیان شأن نزول، یا مواردی است که عموم آیه بر آنها صدق می‌کند، یا برای بر شمردن مصادیق آیه است که در روایت اول و دوم به کار رفته است. لذا می‌توان گفت که تعبیر این روایات صراحتی در بیان سبب ندارد. بنابراین نمی‌توان این روایات را به عنوان سبب نزول آیات پذیرفت. بلکه تطبیق با آیات مورد نظر است.

رابعاً؛ خداوند در این آیات از عذابی سخن می‌گوید که قطعاً و به زودی بر کافران واقع می‌شود و چیزی مانع آن نیست. بنابراین روایت اول و دوم نمی‌تواند سبب نزول این آیات باشد؛ چرا که روایت اول، مستلزم این است که وقتی نضر بن حارث در مکه تقاضای بارش سنگ می‌کند، فوراً اتفاق بیفتد. ولی بیان شده است که وی در جنگ بدر کشته شد و این با کلام خداوند تناقض دارد. درباره روایت دوم نیز باید گفت: أبوجهل در سال دوم هجرت، درجنگ بَدر (به همراه شماری از مشرکان) به دست دو جوان کم سال یعنی؛ معاذ بن عمرو و معاذ بن عفراء کشته شد و سرش به وسیله عبدالله بن مسعود، از بدن جدا شد. (بخاری، ۱۴۰۱: ۶۸/۲) این مطلب با داستان روایت که بارش سنگ را علت مرگ أبوجهل می‌داند، تضاد دارد.

مضمون روایت سوم را بسیاری از مفسران اهل سنّت، و روات حدیث با مختصری تفاوت نقل کرده‌اند. بعضی از علما آن را رد کرده و حدیثی جعلی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

دانسته‌اند. معمولاً در مواردی که آیات قرآن یا روایات اشاره به فضائل خاصی درباره امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌کند بعضی اصرار دارند تا آنجا که می‌توانند مطلب را نادیده گرفته، یا توجیه انحرافی کنند و با دقت و وسوسه خاصی مسئله را تعقیب نمایند، در حالی که اگر این فضائل برای دیگران باشد با سماحت و سهولت و آسانی از آن می‌گذرند! نمونه زنده این کلام اشکالات است که «إبن-تیمیه» در کتاب «منهاج السنة» در مورد احادیث شأن نزول آیات فوق بیان کرده که ما به طور فشرده به بیان آن می‌پردازیم.

کلام ابن تیمیه و نقد آن

ابن تیمیه در اینجا هفت مطلب گفته که همراه با نقد، در پی می‌آید.

۱. ابن تیمیه گوید: داستان غدیر بعد از بازگشت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از حجة الوداع یعنی در سال دهم هجرت روی داده، در حالی که سوره معارج از سوره‌های مکی است که قبل از هجرت نازل شده است.

پاسخ: علامه طباطبایی (۱۴۱۷: ۲۰: ۵-۸) «در مکی بودن این سوره اِشکال می‌کند. البته از سیاق این سوره یعنی توصیف عذاب روز قیامت و نقل و سؤال سائلی قطعی بودنش و نزدیک بودن آن، احتمال می‌دهد که شبیه به سیاق سوره‌های مکی باشد. اما از برخی از مفسرین نقل شده که گفته‌اند: آیه «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» (آیه ۲۴) در مدینه نازل شده، و اعتبار عقلی هم این نظریه را تأیید می‌کند، برای اینکه ظاهر عبارت «حَقٌّ مَعْلُومٌ» زکات است که در مدینه و بعد از هجرت تشریع شد و اگر ما این آیه را مدنی بدانیم، ناگزیر می‌شویم که چهارده آیهٔ بعدی آن را هم که تحت استثنا قرار دارند از جمله «إِلَّا الْمُصَلِّينَ» تا «فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ» (آیه ۲۲ تا ۳۵) مدنی بدانیم، برای اینکه همه سیاقی متحد دارند و مستلزم یکدیگرند. مدنی بودن آیات بعد از استثنا اقتضا دارد که مُستثنی منه را هم - دست کم سه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

آیه از «إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً» تا «منوعاً» (آیه ۱۹ تا ۲۱)- ختم می‌شود، مدنی بدانیم. علاوه بر این آیه «فَمالِ الَّذِینَ کَفَرُوا قِبَلَکَ مُهْطِعِینَ» (آیه ۳۶) نیز به روشنی متفرع بر ما قبل خودش است. از سوی دیگر آیه مذکور تا آخر سوره، سیاقی واحد دارند، پس باید بگوییم اینها هم مدنی هستند.

از جهت مضامین نیز همین آیات آخر سوره خیلی با وضع منافقین که اطراف پیامبرﷺ را گرفته بودند و از چپ و راست احاطه‌اش کرده بودند، مناسبت دارد، چون سخن از کسانی می‌راند که «عَنِ الْیَمِینِ وَ عَنِ الشِّمالِ عِزِینَ» (آیه ۳۷) بودند و این مناسب حال کسانی است که بعضی از احکام خدا را رد می‌کردند، مخصوصاً آیه «أَ یَطْمَعُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ ...» (آیه ۳۸) و آیه «عَلی أَنْ نُبَدِّلَ خَیْراً مِنْهُمْ...» (آیه ۴۱) که به منافقین بیشتر می‌چسبد تا به کفار مکه. روشن است که پیدایش نفاق منافقان در مدینه بوده، نه در مکه. تعبیر از منافقان به «الذین کفروا» در سوره توبه و غیر آن آمده، چون واقعیت آنها، کفر است.

بعلاوه مفسران روایت کرده‌اند که این سوره درباره کسی نازل شد که گفته بود: «اللَّهُمَّ إِنْ کانَ هذا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَأَمْطِرْ عَلَیْنا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ أَوِ ائْتِنا بِعَذابٍ أَلِیمٍ» (انفال:۳۲) که سیاق آن و سیاق آیات بعد از آن، سیاقی مدنی است نه مکی (دروزه، ۱۳۸۳: ۱۵/۱). سوره انفال در سال هشتم هجرت نازل شده است (نکونام، ۱۳۸۰: ۳۰۸) و شخص سؤال کننده از آیه ۳۲ این سوره استفاده کرده است. از اینجا معلوم می‌شود که سوره معارج بعد از سال هشتم هجری نازل شده است (بنابراین شخص سؤال کننده، نضر بن حارث یا أبو جهل نیست) بالأخره نمی‌توان عقیده به نزول این سوره در مکه را ملاک قرار داد. بلکه مدنی بودن سوره و روایت سوم تقویت می‌شود.

۲. ابن تیمیه گوید: در بعضی از روایات آمده است که نعمان بن حارث فهری در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

منطقه «ابطح» خدمت پیامبرﷺ رسید. می‌دانیم که ابطح دره‌ای است در مکه و این با نزول آیه بعد از داستان غدیر مناسب نیست.

پاسخ: اولاً؛ تعبیر به ابطح فقط در بعضی از روایات است، نه در همه روایات. ثانیاً؛ ابطح و بطحاء به معنی هر زمین شنزاری است که سیل از آن جاری می‌شود. در سرزمین مدینه نیز مناطقی وجود دارد که آن را ابطح یا بطحاء می‌نامند و در اشعار عرب و روایات بسیار به آن اشاره شده است.

۳. ابن تیمیه گوید: آیه «و إِذْ قالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كانَ هذا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ» (انفال: ۳۲) مسلماً بعد از جنگ بدر نازل شده و سال‌ها قبل از داستان غدیر است.

پاسخ: کسی نگفته که شأن نزول آن آیه، داستان غدیر است، بلکه سخن در آیهٔ «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ» می‌باشد. اما آیه ۳۲ سوره انفال چیزی است که حارث بن نعمان از آن در کلام خود استفاده کرد و این ربطی به شأن نزول ندارد.

۴. ابن تیمیه گوید: قرآن مجید می‌گوید: «وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال: ۳۳) یعنی؛ خداوند آنها را عذاب نمی‌کند در حالی که تو (پیامبر) در میان آنها باشی، و خداوند آنها را عذاب نمی‌کند در حالی که استغفار می‌کنند. بر اساس این آیه، با وجود پیامبرﷺ هرگز عذابی نازل نخواهد شد.

پاسخ: آنچه قابل قبول است اینکه عذاب عمومی و دست جمعی به خاطر پیامبرﷺ روی نمی‌دهد. ولی عذاب‌های خصوصی و شخصی کراراً بر افراد نازل شده، چنانکه تاریخ اسلام گواه است که افراد متعدّدی مانند: «أبوزمعه» و «مالك بن طلاله» و «حكم بن أبی‌العاص» و غیر آنها به خاطر نفرین پیامبرﷺ یا بدون آن گرفتار عذاب شدند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

۵. ابن تیمیه گوید: اگر چنین شأن نزولی صحیح بود، باید مانند داستان «اصحاب فیل» معروف باشد.

پاسخ: این شأن نزول به قدر کافی مشهور و معروف است. دیدیم که حداقل در سی کتاب از کتب تفسیر و حدیث آمده. وانگهی عجیب است که انتظار داشته باشیم یک حادثه شخصی همانند یک حادثه عمومی مثل داستان اصحاب فیل انعکاس یابد؛ چرا که قصهٔ فیل جنبهٔ همگانی داشت و سرتاسر مکه را گرفته بود و یک لشکر بزرگ طی آن نابود گشت، ولی داستان حارث بن نعمان تنها مربوط به یک نفر است!

۶. ابن تیمیه گوید: از این روایت استفاده می‌شود که نعمان بن حارث مبانی اسلام را قبول داشت. چگونه ممکن است یک مسلمان در عصر پیامبرﷺ به چنین عذابی گرفتار شود؟

پاسخ: این ایراد ناشی از تعصّب شدید است؛ زیرا احادیث فوق به خوبی نشان می‌دهد که او نه تنها گفته پیامبرﷺ را قبول نداشت، بلکه به خداوند نیز معترض بود که چرا چنین دستوری را درباره علی‌علیه‌السلام به پیامبرش داده است؟! و این کفر و ارتداد محسوب می‌شود.

۷. ابن تیمیه گوید: در کتاب‌های معروفی مانند «استیعاب» که نام صحابه آمده است اسمی از «حارث بن نعمان» نمی‌بینیم.

پاسخ: آنچه در این کتاب و مانند آن آمده، تنها مربوط به قسمتی از صحابه است، مثلاً در کتاب «أُسُد الغابة» که از مهم‌ترین منابع مربوط به اصحاب پیامبرﷺ است، تنها ۷۵۵۴ نفر را برشمرده، در حالی که می‌دانیم تنها در حجة الوداع صد هزار نفر یا بیشتر در محضر پیامبرﷺ بودند. بنابراین نام بسیاری از صحابه پیامبرﷺ در این کتب نیامده است. (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۲/۲۵) این روایت را

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

علامه امینی در الغدیر (۱۳۹۷: ۲۳۹/۱-۲۴۶) از سی نفر از علمای معروف اهل سنّت، با ذکر سند و عین عبارت، نقل می‌کند. در بسیاری از این کتب تصریح شده که آیات فوق در همین زمینه نازل شده است. البته درباره اینکه این شخص «حارث بن نعمان» بوده یا «جابر بن نذر» یا «نعمان بن حارث فهری» اختلاف است و می‌دانیم این امر تأثیری در اصل مطلب ندارد.

نتیجه‌گیری

برابر با آن چه گذشت در سوره معارج، سند روایات - بجز روایت سفیان بن عیینه از امام صادق علیه‌السلام - یا دارای راویان ضعیفند و یا به صحابه‌ای ختم می‌شود که خود شاهد نزول آیات نبوده و یا از تابعان نقل گردیده است و یا اساساً فاقد سند می‌باشند.

از جهت متن نیز روایات با مفهوم و سیاق آیات سوره و با نزول یکپارچه سوره مخالف و ناسازگار می‌باشند. همچنین حادثه گزارش شده برخی از این روایات با زمان نزول آیات همزمان نیست و فاصله بسیاری با زمان نزول آیات دارد. به علاوه روایات دچار اضطراب و اختلاف می‌باشند در نهایت داستان کشته شدن نعمان بن حارث فهری در واقعه غدیر را، به علت کثرت طرق و هماهنگی با سیاق و محتوای آیات می‌توان به عنوان سبب نزول سوره معارج (خصوصاً آیات اولیه) پذیرفت.

منابع

- قرآن‌کریم. ***ترجمه محمد مهدی فولادوند***، تهران، دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- إبن‌أبی‌حاتم، عبدالرحمان بن محمد رازی؛ ***تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق: أسعد محمد طیب، ریاض، مکتبة نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

- ابن تیمیه، احمد بن علی. **منهاج السنّة**. بیروت.
- إبن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ ***زاد المسیر فی علم التفسیر***، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- إبن‌کثیر، إسماعیل بن عمر؛ ***تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- استرآبادی، شرف الدین علی؛ ***تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة***، تحقیق: حسین استاد ولی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- آلوسی، محمود؛ ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***، تحقیق: علی عبد الباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- امینی، عبدالحسین؛ ***الغدیر فی الکتاب وَالسّنّة و الادب***، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۷ق.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان؛ ***تفسیر المقاتل بن سلیمان***، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ ***أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)***، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- پیروزفر، سهیلا؛ ***حکم روایت صحابه از اَسباب نزول***، نشریه علوم قرآن و حدیث، ش۳۷، ۱۳۸۴ش.
- ثعلبی، أحمد بن إبراهیم؛ ***الکشف و البیان عن تفسیر القرآن (تفسیر الثعلبی)***، تحقیق: أبو محمد بن عاشور، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ ***تفسیرتسنیم***، قم، اسراء، ۱۳۷۸ش.
- حسکانی، عبید الله بن أحمد؛ ***شواهد التنزیل لقواعد التفضیل***، تحقیق: محمد باقر محمودی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
- حویزی، عبد علی بن جمعه؛ ***نور الثقلین***، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- دروزه، محمد عزة؛ ***تفسیر الحدیث***، بیروت، دار إحیاء الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق.
- ذهبی، محمد بن أحمد؛ ***میزان الإعتدال فی نقد الرجال***، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی؛ ***روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن***، تحقیق: محمد جعفر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]

یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- زحیلی، وهبة بن مصطفی؛ ***تفسیر الوسیط***، دمشق، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم؛ ***مناهل العرفان فی علوم القرآن***، بی‌جا، دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- سیوطی، جلال الدین؛ ***الدُّر المنثور فی تفسیر المأثور***، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- همو؛ ***ألإتقان فی علوم القرآن***، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
- شوکانی، محمد بن علی؛ ***فتح القدیر***، بیروت، دارالکلم الطیب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ ***ألمیزان فی تفسیر القرآن***، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- همو؛ ***قرآن در اسلام***، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۵۳ش.
- طبرسی، أبو منصور احمد بن علی؛ ***ألإحتجاج علی أهل اللجاج***، تحقیق: محمد باقر خرسان، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، تحقیق: محمد جواد بلاغی تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم؛ ***تفسیر فرات الکوفی***، تحقیق: محمد کاظم محمودی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- قرطبی، محمد بن أحمد؛ ***جامع لأحکام القرآن***، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا؛ ***کنز الدقائق و بحر الغرائب***، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.
- مزّی، یوسف بن عبد الرحمن؛ ***تهذیب الکمال فی أسماء الرجال***، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ ***تفسیر نمونه***، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- میبدی، أحمد بن محمد؛ ***کشف الأسرار و عدة الأبرار (تفسیر انصاری)***، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ش.
- نکونام، جعفر؛ ***درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن***، تهران، هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- واحدی نیشابوری، علی بن أحمد؛ ***أسباب نزول القرآن***، تحقیق: کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.15.57.10.1]